

## بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۲/۱۰

### جایگاه امام حسین (علیه السلام) در قرآن کریم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله به دليل اینکه امروز میلاد حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است، اجازه بدهید هدیه ای به پیشگاه مقدس حضرت سیدالشهدا تقدیم بکنیم تحت عنوان امام حسین (علیه السلام) در مصادر اهل سنت؛ که یکی از بحث‌های موجود در این زمینه امام حسین (سلام الله علیه) در قرآن است.

در مورد حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) در قرآن کریم، آیاتی وارد شده است که در ادامه به ذکر آن می‌پردازیم.

**آیه اول**، آیه مباحله است. خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

(فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى

الكَافِرِينَ)

به ایشان بگو بیائید ما فرزندان خود، و شما فرزندان خود را، ما زنان خود و شما زنان خود را، ما نفس خود، و شما نفس خود را بخوانیم و سپس مباحله کنیم و دوری از رحمت خدا را برای دروغگویان که یا مائیم، یا شما، درخواست کنیم.

سوره آل عمران (۳): آیه ۶۱

«ابن کثیر دمشقی» با سند صحیح به نقل از «حاکم نیشابوری» می‌گوید:

«قال جابر وفيهم نزلت (تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم ونساءنا ونساءكم وأنفسنا وأنفسكم) قال جابر (أنفسنا وأنفسكم) رسول الله وعلى بن أبي طالب (وأبناءنا) الحسن والحسين (ونساءنا) فاطمة وهكذا رواه الحاكم في مستدرکه»

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۷۲، باب آل عمران: (۵۹ - ۶۳)

آقای «سیوطی» هم از «حاکم نیشابوری» در کتاب «الدر المنثور» جلد دوم صفحه ۳۹ این روایت را نقل کرده است. آقای «شوکانی» هم این روایت را در کتاب «فتح القدير» جلد اول، صفحه ۳۴۸ آورده است.

آقای «زمخشری» در تفسیر این آیه شریفه تعبیری دارد که می‌گوید:

«وفیه دلیل لا شیء أقوى منه علی فضل أصحاب الکساء علیهم السلام»

در نزول آیه مباحله در شأن این خمسه طیبه دلیلی است که قوی‌تر از آن در فضیلت اصحاب کساء روایت نداریم.

الكشاف عن حقائق التنزيل وعلوم الأقاويل فی وجوه التأویل، أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشری الخوارزمی، سنة الولادة ۱۴۶۷ / سنة الوفاة ۵۳۸، تحقیق عبد الرزاق المهدي، الناشر دار إحياء التراث العربی، مکان النشر بیروت، ج ۱، ص ۳۹۷، باب آل عمران: (۶۱)

نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه کنیم، این است که مباحله برای چه صورت گرفت؟! بعد از مناظره‌ای که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) با نصاری نجران داشتند و آنها متقاعد نشدند، خداوند عالم دستور مباحله دادند.

«مباهله» با دو هدف صورت گرفت؛ هدف اول برای بطلان عقاید نصارای نجران بود و هدف دوم برای اثبات صداقت و رسالت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. به تعبیر دیگر مباهله به منظور اثبات صداقت رسول گرامی اسلام در اثبات رسالت ایشان بود.

شما ببینید برای اثبات حقانیت، صداقت و رسالت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) چه کسانی می‌روند؟! تنها امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) می‌روند!!

با اینکه صحابه همگی حضور داشتند؛ «ابوبکر»، «عمر»، «عثمان»، «طلحه»، «زبیر»، «سلمان»، «ابوذر» و دیگران همه حضور داشتند، اما رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را با خود می‌برد.

همسران پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که قرآن کریم از آن‌ها به «امهات المؤمنین» تعبیر می‌کند همه حضور داشتند، اما رسول گرامی اسلام تنها حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیه) را با خود می‌برد.

در زمان مباهله ظاهراً یکی از دختران پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که در عقد عثمان بود در قید حیات بود، اما حضرت او را هم با خود نبردند. در حقیقت این اقدامات نشانگر جایگاه والای این بزرگواران می‌دهد.

اگر ما روایتی در اثبات امامت و ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) جز همین یک آیه نداشته باشیم و بگویند: "ملاک خلافت افضلیت است" و "افضل‌ترین مردم باید جای پیغمبر اکرم را بگیرد"، ما افضل‌تر از امیرالمؤمنین نداریم! چون کسی غیر از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) برای اثبات نبوت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نرفته است.

کسی که شایستگی دارد برای اثبات رسالت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به مباحله برود، قطعاً برای جانشینی آن حضرت نسبت به دیگر صحابه اولویت دارد.

**آیه دوم؛** آیه تطهیر است. «صحیح مسلم» در این خصوص روایتی به صراحت از عایشه نقل می‌کند و می‌گوید:

«خَرَجَ النَّبِيُّ غَدَاةً وَعَلَيْهِ مِرْطٌ مَرَحَلٌ مِنْ شَعْرٍ أَسْوَدَ فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَدَخَلَ مَعَهُ ثُمَّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فَأَدْخَلَهَا ثُمَّ جَاءَ عَلِيُّ فَأَدْخَلَهُ ثُمَّ قَالَ (إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) ثُمَّ قَالَ»

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و عبایی از موی بز داشتند. امام حسن و امام حسین (علیه السلام)، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در زیر عبا جمع شدند. سپس رسول الله فرمودند:

«(إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ١٨٨٣، ح ٢٤٢٤

نکته ظریفی که در اینجا وجود دارد، این است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در ذیل این عبا جز این چهار نفر را وارد نکردند و برای احدی هم این آیه را قرائت نکردند.

«ترمذی» هم ذیل این روایت می‌نویسد: زمانی که رسول خدا این چهار بزرگوار را زیر عبا قرار دادند، فرمودند:

«اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»

در حقیقت «هَؤُلَاءِ» شاید خبر مقدم باشد. رسول گرامی اسلام «اهل بیتی هَؤُلَاءِ» فرمودند، بلکه می‌فرمایند:

«هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي»؛ این‌ها اهل بیت من هستند! یعنی یک نوعی حصر دارد.

سپس «أم سلمه» می‌گوید:

«وَأَنَا مَعَهُمْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ»

رسول گرامی اسلام فرمودند:

«أَنْتِ عَلَى مَكَائِكَ وَأَنْتِ عَلَى خَيْرٍ»

«ترمذی» در این خصوص می‌گوید:

«حسن صحیح و هو أحسن شيء روى في هذا الباب»

این روایت صحیح است و بهترین روایت این باب است.

الجامع الصحیح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر:

دار إحياء التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ۵، ص ۳۵۱، ح ۳۲۰۵

«حسن» یعنی از جهتی درست و از جهتی صحیح است؛ این تعابیر تنها در «ترمذی» آمده است. نظر حضرات این است که اگر تمام راویان، صحیح باشند و همگی بر صحت آن هم اتفاق نظر داشته باشند، این روایت صحیح است. اما اگر چنانچه یکی از آنها ممدوح است، اما «دون مرتبة الوثاقه» است؛ اگر شما به کتاب «المدخل إلى علم الرجال و الدرایة» مراجعه کنید، بنده در قسمت سوم این کتاب اقوالی که اهل سنت در رابطه با روایت صحیح وارد شده را آوردم و همچنین اقوال شیعه را در مورد روایت صحیح و حسن آوردم.

روایت حسن معتبر است؛ زیرا «الحسن كالصحيح في الإحتجاج». اگر چه از نظر قدرت و اعتبار از صحیح پایین‌تر است، اما در احتجاج هیچ تفاوتی میان روایت «حسن» و روایت «صحیح» وجود ندارد.

علمای ما هم به روایت حسن و صحیح به طور کلی عمل کردند، فقط روایت «موثق» است که «صاحب معالم» و «صاحب مدارک» به این روایات عمل نمی‌کنند. تنها تفاوت روایت حسن با روایت صحیح این است که در تعارض، روایت حسن سقوط می‌کند و روایت صحیح بالا می‌رود. از باب «خذ بما رواه اوثقهما» حدیث صحیح، اوثق الحدیثین است.

«مسند احمد» هم در این زمینه آیه تطهیر می‌نویسد:

با وجود اینکه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به ام سلمه فرمودند: سر جایب بایست و به طرف عبا نزدیک نشو؛ اما زمانی که او مشاهده کرد رسول الله این آیه را برای این چهار بزرگوار خواند، می‌گوید من جلو رفتم و...

«فَرَفَعْتُ الْكِسَاءَ لِأَدْخُلَ مَعَهُمْ»

من عبا را بالا زدم تا وارد عبا شوم.

«فَجَذَبَهُ مِنْ يَدِي وَقَالَ أَنْكَ عَلَى خَيْرٍ»

پیغمبر اکرم عبا را از دست من کشید و گفت: تو آدم خوبی هستی، داخل نشو.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۲۶۷۸۹

کسانی که معتقدند همسران پیغمبر اکرم جزو آیه تطهیر هستند، در حقیقت می‌خواهند عبایی را که پیغمبر اکرم کشیده و اجازه وارد شدن آن را به «ام سلمه» نداده است را بگیرند، بالا ببرند و دومرتبه همسران پیغمبر اکرم را وارد کنند.

توجه دارید که خانه، خانه «أم سلمه» بوده است و آیه تطهیر در منزل «أم سلمه» نازل شده است. خود «عایشه» وقتی می‌خواهد نزدیک شود، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به او می‌فرماید: از اهل بیت من دور شو!!

جالب اینجاست، عایشه که تمام فضائل مربوط به خودش و خانواده‌اش را در همه جا نقل کرده است و حتی کوچک‌ترین مطلب دال بر فضیلت خودشان را نقل کردند؛ ولی ما یک روایت ضعیف یا روایتی که علما جزو روایات موضوعه آورده باشند نداریم که عایشه ادعا کرده باشد آیه تطهیر شامل ما هم هست!! ما حتی یک روایت جعلی که آقایان حکم جعل بر او نوشته باشند و یا حتی یک روایت ضعیف هم از عایشه در این زمینه نداریم.

دوستان دقت داشته باشند که ما باید در برخورد با مخالفین و دشمن هم، انصاف را رعایت کنیم. انصاف چیز خوبی است، ما باید نسبت به مخالف هم به اندازه‌ای که دلیل داریم حمله کنیم و بالاتر از آن دیگر حمله نکنیم؛ عزیزان به این مسئله دقت کنند.

در ابتدای روایت وارد شده است:

**«عن أم سلمة رضي الله عنها قالت إن هذه الآية نزلت في بيتي (إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل**

**البيت ويطهركم تطهيرا)»**

**تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء، دار النشر: دار الفكر**

**- بيروت - ١٤٠١، ج ٣، ص ٤٨٦، باب الأحزاب: (٣٢ - ٣٤)**

حال دیگر همسران پیغمبر اکرم هم ادعا می‌کنند در بیت ما بوده است. شاید آیه تطهیر در موارد متعددی نازل شده باشد و شاید پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این کار را در چند مکان انجام داده باشد.

ممکن است رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) جمع کردن اهل بیت خود زیر کساء را در حجره «عایشه»، «حفصه»، «ام سلمه» و «ام حبیبه» هم انجام داده باشد تا اثبات کند که این آیه شریفه تنها مخصوص این چهار بزرگوار است و بس!!

**پرسش:**

اهل سنت ادعا می‌کنند که همسران پیغمبر اکرم قبلاً تطهیر شده بودند، لذا رسول گرامی اسلام فرمودند: خدایا این افراد هم جزو اهل بیت من هستند، آنها را نیز تطهیر کن!

**پاسخ:**

چگونه همسران پیامبر قبلاً تطهیر شده بودند در حالیکه خداوند متعال در آیه ۲۹ سوره مبارکه احزاب می‌فرماید:

**(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ)**

ای زنان پیامبر! شما مثل احدی از سایر زنان نیستید.

**سوره احزاب (۳۳): آیه ۳۲**

همچنین در آیه بعد می‌فرماید:

**(وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى)**

و در خانه‌های خود بنشینید، و چون زنان جاهلیت نخست خود نمایی نکنید.

**سوره احزاب (۳۲): آیه ۳۳**

این آیات، همگی آیات ذم است و حتی بعد از آیه تطهیر هم آیه ذم وارد شده است و می‌فرماید:



## (وَ اذْكُرْنَ مَا يُبْتِغْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ)

و آنچه در خانه‌های شما از آیات خدا و حکمت که تلاوت می‌شود به یاد آورید.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۳۴

مشاهده کنید که در تمام این آیات کلمه **(بُيُوتٍ)** به صورت جمع آمده است، اما در اینجا **(أَهْلَ الْبَيْتِ)** به صورت مفرد وارد شده است. اگر قرار بود این آیه شریفه مربوط به زنان پیغمبر اکرم باشد، خداوند متعال باید «**اهل البیوت**» را در آیه شریفه می‌فرمودند. این مطالب خیلی واضح و روشن است. ما کاری با لجاجت آقایان اهل سنت نداریم که در این مورد لجاجت می‌کنند.

**پرسش:**

آیا علی رغم منع پیغمبر، این حرکت بالا زدن عبا برای داخل شدن، از «أم سلمه» بعید نبود؟

**پاسخ:**

نه این حرکات اصلاً بعید نیست. «أم سلمه» خودش می‌گوید: والله اگر پیغمبر به تقاضای من برای داخل شدن در زیر عبا، «بله» می‌گفت، برای من از هر چه که نور خورشید بر آن می‌تابد بارزش‌تر بود. این نشان می‌دهد که مقام، مقام بالایی بوده است و مسئله، مسئله بزرگی بوده است. دقت کنید که آیه تطهیر بحث عصمت است و بحث کوچکی نیست.

**پرسش:**

در آیات اول تنها مخصوص زنان بوده است، اما زمانی که به اهل بیت (علیهم السلام) می‌رسد، هم زن و هم مرد را شامل می‌شود و از باب تغلیب مذکر می‌آید. سپس این مسئله را به آیه‌ای در مورد حضرت ابراهیم و ساره که

کلمه (أَهْلَ الْبَيْتِ) در آنجا وارد شده استناد می‌کنند و می‌گویند: در آنجا هم (أَهْلَ الْبَيْتِ) وارد شده است، چرا (بُيُوتِ) نیامده است.

### پاسخ:

مشاهده کنید در آنجا (أَهْلَ الْبَيْتِ) آمده است، برای اینکه همسر حضرت ابراهیم دختر خاله یا دختر عموی آن حضرت بوده است و همه از یک خاندان هستند.

ماجرای حضرت ابراهیم با این ماجرا فرق می‌کند. علاوه بر این آقایان اهل سنت معتقدند که آیه (إِفْكَ) درباره عایشه آمده است، زیرا در این زمینه روایت داریم. همچنین معتقدند که آیه غار درباره ابوبکر آمده است، زیرا در این زمینه روایت داریم و شأن نزول است.

خوب بفرمائید شأن نزول این آیه را هم ببینید که در کتاب «صحیح مسلم» تنها اسم امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) وارد شده است. همچنین در کتاب «اربعین» اثر «ابن عساکر» از «ابی سعید خدری» نقل می‌کند:

«نزلت هذه الآية في بيتي إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا»

سپس می‌نویسد:

«قلت يا رسول الله ألسنت من أهل البيت»

يا رسول الله! آیا من هم اهل بیت هستم!؟

«قال إنك إلى خير إنك من أزواج رسول الله صلى الله عليه وسلم»

رسول الله فرمودند: خیر، تو اهل بیت نیستی بلکه همسر پیغمبر اکرم هستی.

«قالت وأهل البيت رسول الله صلى الله عليه و سلم وعلى وفاطمة والحسن والحسين رضی الله عنهم

أجمعين»

سپس می نویسد:

«هذا حديث صحيح»

در ادامه می نویسد:

«والآية نزلت خاصة في هؤلاء المذكورين»

الأربعين في مناقب أمهات المؤمنين رحمة الله عليهن أجمعين، المؤلف: أبو منصور عبد الرحمن بن

محمد بن هبة الله بن عساكر، الناشر: دار الفكر - دمشق، الطبعة الأولى، ١٤٠٦، تحقيق: محمد مطيع

الحافظ، غزوة بدير، ج ١، ص ١٠٥، باب الحديث السادس والثلاثون

همچنین در کتاب «تفسیر بحر المحيط» اثر «أبو حيان أندلسی» وارد شده است:

«وقال أبو سعيد الخدری: هو خاص برسول الله وعلى وفاطمة والحسن والحسين»

تفسیر البحر المحيط، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الشهير بأبي حيان الأندلسی، دار النشر: دار الكتب

العلمية - لبنان / بيروت - ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، ج

٧، ص ٢٢٤، باب (سورة الأحزاب)

این روایت از «أنس»، «أم سلمه» و «عایشه» نقل شده است. این روایت در کتب عالمان دیگری همچون

«مآوردی»، «أبو محمد مکی»، «بغوی»، «ابن جوزی»، «ابن عساكر»، «ابو المحاسن» و «ألوسی» وارد شده

است.

آقای «ألوسی سلفی» در کتاب «روح المعانی» جلد ۱۱ صفحه ۱۹۵ می‌نویسد:

«ودعائه لهم وعدم إدخال أم سلمة أكثر من أن تحصي»

ما در مورد عدم ورود أم سلمه فراتر از شمارش روایت داریم.

«وهي مخصصة لعموم أهل البيت بأى معنى كان البيت»

این آیه با این شأن نزول تمام موارد أهل البيت را تخصیص می‌زند.

«فالمراد بهم من شملهم الكساء ولا يدخل فيهم أزواجه صَلَّى اللهُ عليه وسلم»

ایشان در ادامه به صراحت می‌گویند:

«يقتضى أن النساء المطهرات غير داخلات في أهل البيت الذين هم أحد الثقلين»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، المؤلف: شهاب الدین محمود بن عبد الله

الحسینی الألوسی (المتوفى: ۱۲۷۰ هـ)، المحقق: علی عبد الباری عطية، الناشر: دار الكتب العلمية -

بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵ هـ، ج ۱۱، ص ۱۹۵، باب الجزء الثاني العاشر

همچنین «حاکم نیشابوری» هم در کتاب خود بیان می‌کند که مراد از (أَهْلَ الْبَيْتِ) همین پنج نفر هستند. آقای

«طحاوی» که کتب او کتب درسی حوزه‌های علمیه است، در کتاب «شرح مشکل الآثار» جلد دوم می‌نویسد:

«وَأَنَّ الْمُرَادِينَ بِمَا فِيهَا هُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَى وَفَاطِمَةَ وَحَسَنَ وَحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دُونَ مَنْ سِوَاهُمْ»

شرح مشکل الآثار، اسم المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوی، دار النشر: مؤسسة

الرسالة - لبنان / بيروت - ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، ج ۲، ص ۲۴۵

همچنین آقای «محمد أمين سندی» و «مقرضی» همین روایت را در کتب خود بیان کرده‌اند. همچنین در کتاب «صحيح مسلم» از زيد بن ارقم نقل شده است:

«فَقُلْنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ نِسَاؤُهُ»

پرسیدند: آیا زنان پیغمبر اکرم اهل بیت پیغمبر اکرم هستند؟!

«قال لا وأيم الله إن المرأة تكون مع الرجل العَصْر من الدهر ثم يطلُّها فتَرْجِعُ إلى أبيها وَقَوْمِهَا أَهْلُ بَيْتِهِ أَضْلُهُ وَعَصْبَتُهُ الَّذِينَ حُرِّمُوا الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ١٨٧٤، ح ٢٤٠٨

در این روایت وارد شده است که اهل بیت پیغمبر اکرم ریشه رسول الله هستند که عبارت از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) هستند.

جالب بود کارشناس یکی از شبکه‌های وهابی ادعا کرد که «زيد بن أرقم» که معصوم نیست و این روایت در کتاب «صحيح مسلم» وارد شده است که «مسلم» هم معصوم نیست!! حتماً معصوم تنها کارشناسانی هستند که در شبکه‌های وهابی حرف می‌زنند و غیر از آن‌ها هیچ کسی معصوم نیست!!!

همچنین آقای «نووی» در کتاب «شرح صحيح مسلم» به صراحت می‌گوید:

«والمعروف في معظم الروايات في غير مسلم انه قال نساؤه لسن من اهل بيته»

صحيح مسلم بشرح النووي، اسم المؤلف: أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري النووي، دار النشر: دار

إحياء التراث العربي - بيروت - ١٣٩٢، الطبعة: الطبعة الثانية، ج ١٥، ص ١٨٠

در این روایت وارد شده است که زنان پیغمبر اکرم از اهل بیت پیغمبر اکرم نیستند. همچنین در کتاب «شرح مشکل الآثار» از قول «أم سلمه» وارد شده است:

«فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فَقَالَ إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرًا فَوَدِدْتُ أَنَّهُ قَالَ نَعَمْ فَكَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا تَطْلُعُ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَتَغْرُبُ»

شرح مشکل الآثار، اسم المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان / بيروت - ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، ج ۲، ص ۲۴۴

مشاهده کنید که «أم سلمه» می‌گوید: اگر رسول الله به من می‌فرمودند که تو از اهل بیت هستی، از تمام دنیا و تمام ثروت روی زمین برای من باارزش‌تر بود. یعنی اگر تمام ثروت روی زمین را به «أم سلمه» می‌دادند، از این سخن برای او باارزش‌تر نبود. مشاهده کنید اینها یک یا دو مورد نیست.

همچنین در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» جلد ۶ صفحه ۲۹۶ وارد شده است:

«قالت فقال لي قومي فتنحى لي عن أهل بيتي»

سپس «أم سلمه» می‌گوید:

«قالت فقممت فتنحيت في البيت قريبا»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۶، ص ۲۹۶، ح ۲۶۵۸۲

همچنین در کتاب «تفسیر ابن کثیر» در مورد «عایشه» وارد شده است:

«فقلت يا رسول الله وأنا من أهل بيتك فقال تنحى فإنك على خير»

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۴۸۶، باب الأحزاب: (۳۲ - ۳۴) یا نساء النبی.

جالب این است که در کتاب «صحیح مسلم» جلد دوم صفحه ۱۱۰۴ حدیث ۱۴۷۸ در این رابطه وارد شده است:

«ثُمَّ نَزَلَتْ عَلَيْهِ هَذِهِ الْآيَةُ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ) حَتَّى بَلَغَ (لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أُجْرًا عَظِيمًا) قَالَ فَبَدَأَ بِعَائِشَةَ فَقَالَ يَا عَائِشَةُ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُعْرِضَ عَلَيْكَ»

صحیح مسلم بشرح النووی، اسم المؤلف: أبو زکریا یحیی بن شرف بن مری النووی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت - ۱۳۹۲، الطبعة: الطبعة الثانية، ج ۲، ص ۱۱۰۴، ح ۱۴۷۸

در این روایت وارد شده است که اصلاً شأن نزول قسمت اول آیه زنان پیغمبر اکرم هست و شأن نزول آیه تطهیر اهل بیت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. این روایت شأن نزول تمام این آیات را واضح کرده است. مشاهده کنید «عکرمه» که یکی از خوارج بوده است، ادعا کرده است که من مباحله می‌کنم.

« من شاء باهلهتة أنها نزلت في شأن نساء النبي صلى الله عليه وآله وسلم »

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۱؛ ج ۳، ص ۴۸۴

مشاهده کنید که یک انسان بی‌عقل ادعای مباحله می‌کند، حتی خود آقایان اهل سنت ادعا می‌کنند که این شخص عقل درستی نداشته است.

پسر «ابن عباس» او را به در مسجد بسته بود و همینطور او را کتک می‌زد. از او پرسیدند: چرا کتک می‌زنی؟! او در جواب گفت: این شخص همینطور از قول پدرم مطالب دروغ نقل می‌کند.

در کتاب «سیر أعلام النبلاء» وارد شده است:

«قال يحيى بن بكير قدم عكرمة مصر ونزل هذه الدار وخرج إلى المغرب فالخوارج الذين بالمغرب عنه

أخذوا»

می گوید که خوارج مغرب دین خود را از «عکرمه» گرفتند. از «احمد بن حنبل» نقل شده است اباضیه که فرقه‌ای از خوارج هستند، همگی مربوط به «عکرمه» هستند. در مورد او نقل شده است:

«وقف عكرمة على باب المسجد فقال ما فيه إلا كافر»

او کنار در مسجد نشسته بود و می‌گفت: تمام کسانی که در مسجد نماز می‌خوانند کافر هستند.

همچنین می‌نویسد:

«قال مصعب بن عبد الله كان عكرمة يري رأى الخوارج»

سپس می‌نویسد:

«سمعت ابن عمر يقول لنافع اتق الله ويحك لا تكذب علي كما كذب عكرمة علي ابن عباس»

«ذهبی» در ادامه می‌نویسد:

«سعيد بن المسيب أنه كان يقول لغلام له يا برد لا تكذب علي كما يكذب عكرمة علي ابن عباس»

همچنین در مورد او گفته شده است:

«وعكرمة مقيد علي باب الحش»

«حش» به معنای گودال یا باغچه‌ای است و شاید مکانی نزدیک قبرستان بقیع باشد.



«قال قلت ما لهذا كذا قال إنه يكذب على أبي»

«ابن عباس» می گفت:

«قال ابن عباس سبق الكتاب المسح على الخفين فقال كذب عكرمة»

همچنین «سعید بن مسیب» می گوید: ما روایتی از او نقل کردیم که معلوم شد دروغ می گوید.

«يا ابن أخي إن عكرمة كذاب يحدث غدوة حديثا بخالفه عشية»

عکرمه دروغگو است، او صبح روایتی می گوید و غروب روایتی برخلاف آن نقل می کند.

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر:

مؤسسة الرسالة - بيروت - ١٤١٣، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي،

ج ٥، ص ٢١ تا ٢٩، باب ٧

حال این شخص می گوید:

«من شاء باهله انه نزلت في أزواج النبي صلى الله عليه وسلم»

پرسش:

آیا احتمال دارد که این آیه تنها یکبار بیشتر نازل نشده باشد!؟

پاسخ:

نه، ما روایتی داریم مبنی بر اینکه این آیه در چند مورد وارد شده است. در مقاله ای که برای همایش زاهدان

نوشته بودم، مطالبی آورده بودم مبنی بر اینکه این آیه در سه یا چهار مورد نازل شده است.

این آیه همانند سوره حمد است که چندین مرتبه نازل شده است. همچنین بعضی از آیات، هم در مکه و هم در مدینه نازل شده است یا در مدینه مکرراً به مناسبت‌های مختلف نازل شده است. ما این مطالب را از کتب أهل سنت بیان کردیم. به عنوان مثال «عایشه» و «أم سلمه» ادعا می‌کنند که در خانه من نازل شده است. همچنین افراد دیگری معتقدند که این آیه در مسجد نازل شده است.

در روایت وارد شده است رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به مدت شش ماه هر روز که برای نماز به مسجد می‌رفتند، در خانه حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) این آیه را با صدای بلند قرائت می‌کردند. بنابراین مطلب کاملاً واضح و روشن است و زمانی که آدم بخواهد خود را به لجاجت بزند همه چیز به هم می‌ریزد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته